

۵۸. انهدام بابل

فقط خداوند میتواند آینده را پیشگوئی نماید و آنرا بوجود آورد. کتابی که امور تاریخ را برای مدتهای هزارها سال پیشگوید متمناً از خداوند است. خداوند به حضرت یوحنا امر فرمود: «پس بنویس چیزهایی را که دیدی و چیزهایی را که هستند و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد.» (مکاشفه ۱۹:۱).

وقتی که در خاور میانه زندگی میکردیم فرصت دیدن خرابه های بابل قدیم را داشتیم. در وسط آن شهر عظیم و مجلل ایستادم. کتاب اشعیا نبی را در دست داشتیم. آن را باز کرده این آیه را خواندم: «بابل را که باشکوهترین ممالک و زینت فخر کلدانیان است. . .» (اشعیا ۱۳:۱۹).

محیط دائرة خرابه های آنشهر کلدانیان شانزده کیلومتر بود. در زمان افتخارش یکی از بزرگترین شهرهای دنیا بود. نظری به بابل، وقتی که به عظمتش رسیده بود بیافکنیم. شهری بنظر میرسید که تا ابد پایدار خواهد ماند. در آن زمان الف با را اختراع کرده بود و به کار میانداخت. دستگاهی برای اندازهگیری ساعات معمول بود. حرکات ستارگان را نقش کرده بودند. قانون ملی خود را بطور واضح ربطی با تمام ملت داشت. ۱۲۰۰ سال قبل از حجرت اسلام پایتخت دنیا شده بود. ثروت، حکمت، و مذهب بت پرستی بابل جهانگیر شده بود. پادشاهان کشورهای جهان مالیاتشان را مرتباً به بابل میفرستادند. قبل از آن دنیا هیچ وقت چنین شهری ندیده بود. قصرها و معابد بابل بقدری بلند بودند که مسافری از راه دور ساختمانهای

چشم بیگانگان را روشن میکرد.

در زمان عظمتش دو نفر از پیغمبران خداوند جرأت کردند انهدام آن شهر را پیشگوئی کنند. یکی اشعیا نبی بود که از خداوند الهام یافته فرمود: «به این ترتیب، خدا بابل را که با شکوهترین ممالک و زینت فخر کلدانیان است مانند سدوم و عموره با خاک یکسان خواهد کرد. بابل دیگر هرگز آباد و قابل سکونت نخواهد شد. حتی اعراب چادرنشین نیز در آنجا خیمه نخواهند زد و چوپانان گوسفندان خود را در آن مکان نخواهند چرانید. تنها حیوانات وحشی در آنجا بسر خواهند برد و روباه ها در آن محل لانه خواهند کرد. جندها در خانه های آنجا ساکن خواهند شد و بزهای وحشی در آنجا جست و خیز خواهند کرد.» (اشعیا ۱۳:۱۹-۲۱).

بکلمات دیگر میشود گفت که اشعیا مطمئن بود که بابل را در شکوه و جلاشل مشاهده میکند و اگر چه بنظر بشر پایداری ابدی در آن دیده میشود، مثل دیگر شهرها نابود شده مثل سدوم و عموره خواهد کردید.

نبی دیگری که آینده بابل را در رویا دیده بود چنین اضافه میکند: «به همه

_____ و سایر بتهای

بابل سرافکننده و رسوا خواهند شد! . . . بابل، مانند چکشی تمام جهان را خرد کرد، ولی حال آن چکش، خود شکسته و خرد شده است. بابل در میان قومها مطرود و منزوی گردیده است. . . بنابراین جوانان او در کوچه ها افتاده، خواهند مرد و همه

شهر بابل را حفاری کرد و آثار آن شهر مجلل را دریافت. تمام پیشگوئیهای انبیاء بطور کلی مطابق گفته هایشان بوقوع پیوسته بودند. من در خیابانها کشف شده بابل ایستاده بودم. دوربین عکاسی در دست داشتم و از دیوارها و قصرها، و خیابانها عکس میگرفتم. یک مرتبه از یکی از کوچه های نزدیک روبائی دیدم که از وجود انسان فرار میکرد. تا خواستم عکسش را بگیرم از پشت دیوار فرار کرده بود. پیغمبر گفته بود که حیوانات وحشی در آنجا ساکن خواهند شد. حتی در این قرن بیستم نیز جزئیات پیشگوئیهای خداوند اعتبار کتاب مقدس را ثابت میکنند. راهنمای ما شخص عربی بود. از بغداد با ماشین مسافرت کرده بودیم و حالا عصر روز به آنجا رسیدیم. راهنما عجله داشت. بهیچ وجه نخواست پس از غروب آفتاب در آنجا پیدا شود. مجبور بودیم قبل از غروب آفتاب بابل را ترک کنیم. از اول تا آخر نکته بنکته پیشگوئیهای کتاب مقدس جزئیات تاریخ را تشییح میکرد.

شنونده عزیز. منصور ما در این گفتار راجع به بابل چیست؟ خداوند مژده ای برای هر فردی در این دنیا دارد. منصور ما اسن است که آن مژده را به شما برسانیم. برنامه بعدی راجه به همان مژده است. وقتی که میدانیم کلام خدا تغییر ناپذیر است و مورد اتمینان میباشد، اهمیت مژده وی آنقدر بیشتر اهمیت دارد. تا دفعه بعدی خدا بهمراحتان باشد.